



- ۹ مقدمه ناشر
- ۱۵ [مقاله اول].....نظام های خانواده در دنیا: آیا این نظام ها هم گرا شده اند؟  
گوران تربون
- ۱۷ دوره های تغییر و الگوهای خانواده
- ۱۹ هفت نظام اصلی خانواده در دنیا و جهش های قرن بیستمی آن ها
- ۳۰ پویایی های تغییر در خانواده
- ۳۱ گرایش های فعلی: آیا نظام های خانوادگی هم گرامی شوند؟
- ۳۱ پدرسالاری / مردگرایی
- ۳۸ ازدواج
- ۴۱ باروری و آینده جمعیت ها
- ۴۴ خانواده گرایی فراملی
- ۴۶ نتیجه گیری: دوام تنوع، دوام اهمیت
- ۴۹ [مقاله دوم].....سیاست گذاری عمومی و خانواده ها  
پرنیلا تنبرگر و وندی سیگل راشتون
- ۵۱ معرفی
- ۵۳ الگوهای واگرا و ناهمخوان درآمد و مراقبتگری
- ۵۵ دسته بندی الگوهای واگرا
- ۵۸ منطق های نوین سیاست گذاری و چالش های نوظهور
- ۶۰ سیاست گذاری خانواده و ساختار بازار کار
- ۶۵ اشتغال زنان و نرخ زادوولد: اهداف هم گرا، برون دادهای واگرا؟
- ۶۸ هم گرایی رویکردها به سمت آشتی دادن کار- خانواده

۷۱	واداشتن مردان به مراقبتگری: هدف هم‌گرا، برون‌دادهای واگرا؟
۷۴	مادران مجرد فقیر: از مراقبتگری تا درآمدزایی
۷۶	نتیجه‌گیری
۸۱	<b>[مقاله سوم]</b> ..... <b>خانواده‌های فراملی</b>
	لورتا بالداसार، ماجلا کیلکی، لورا مرلا و رائلن وایلدینگ
۸۳	خانواده‌های فراملی: معرفی و چرخش «تحرک‌پذیری»
۸۵	موردکاوی‌ها: خانواده‌های فراملی و گردش جهانی مراقبتگری
۸۸	خانواده‌های فراملی: تعریف‌ها و مسائل کلیدی پژوهشی
۹۰	خانواده‌های فراملی: تعلق و محوریت مراقبتگری
۹۳	خانواده‌های فراملی: مسائل مفهومی و نظری
۱۰۰	خانواده‌های فراملی: پژوهش و روش‌شناسی و رای مرزها
۱۰۳	خانواده‌های فراملی: خانواده‌داری در طول زمان و مکان
۱۱۱	خانواده‌های فراملی: دلالت‌ها و پیامدهای سیاست‌گذاری
۱۱۵	نتیجه‌گیری و جهت‌گیری پژوهش‌های آتی
۱۱۷	<b>[مقاله چهارم]</b> ..... <b>دین، عشق رماتیک و خانواده</b>
	برایان اس. ترنر
۱۱۹	مقدمه: بدن، تولیدمثل و امر مقدس
۱۲۵	کلیسای مسیحی ابتدایی: ازدواج به مثابه شرط ضروری
۱۱۲۸	فئودالیسم و سرمایه‌داری: اموال و خانواده
۱۳۴	سکولاریزاسیون، خانواده و بنیادگرایی مسیحی
۱۴۲	بنیادگرایی و حجاب: اسلام و حقوق زنان در ازدواج
۱۴۸	نتیجه‌گیری: مسائل دین و بحران خانواده
۱۵۱	<b>[مقاله پنجم]</b> ..... <b>خانواده کودک: چشم‌اندازی کودک‌محور</b>
	ژاکلین اسکات
۱۵۳	مقدمه
۱۶۳	کودکان به مثابه کنشگران اجتماعی
۱۶۴	برداشت کودکان از مخصصه زمانی
۱۶۶	کار کودکان

- ۱۶۹ ساختار اجتماعی کودکی
- ۱۶۹ ساختارهای خانواده کودک
- ۱۷۲ فقر کودک و بهروزی کودکان
- ۱۷۶ خانواده کودک: چشم انداز مسیر زندگی
- ۱۷۸ اثر ماندگار تغییر در زمان تاریخی
- ۱۷۹ زمان بندی رخدادها و زندگی های درهم تنیده
- ۱۸۳ کودکان و خانواده ها: نگاه به گذشته و آینده

۱۸۵ [مقاله ششم].....پدران و پدري

کوين ام. رُی

- ۱۸۹ انتظارات از پدري جديد
- ۱۹۲ تغييرات در بچه داري مشترك و بچه داري
- ۱۹۴ هم والدي در خانواده هاي كم درآمد
- ۱۹۷ هم والدي و نفقه کودک پس از طلاق
- ۱۹۹ پرورش کودکان در طول زمان
- ۲۰۱ مرخصی زایمان پدران
- ۲۰۳ نوجوانان، جوانان و طلاق
- ۲۰۶ چالش ها و نابرابري در پدري جديد
- ۲۰۸ درگيري پدر و ريسک ناشي از زنداني شدن
- ۲۱۰ استرس و افسردگي
- ۲۱۲ مهاجرت
- ۲۱۴ نتیجه گیری

۲۱۷ [مقاله هفتم].....باروري مساعدتي، فناوري هاي

ژنتيك و ژنوميك، و زندگي خانوادگي

مارتين ريچاردز

- ۲۱۹ معرفي
- ۲۲۱ شناسايي والدين
- ۲۲۶ تكنيك هاي باروري مساعدتي
- ۲۳۵ آزمایش بیماری های ژنتیک
- ۲۴۴ فناوري مهندسي پزشكي: به کارگيري و پيش فرض هاي فرهنگي
- ۲۴۹ جمع بندی و نتیجه گیری

تقدیر و تشکر	۲۵۲
[مقاله هشتم]..... آشوب جهانی عشق: پیش به سوی چرخش جهان شهری در جامعه شناسی عشق و خانواده	۲۵۳
اولریش بک و الیزابت بک گرنشایم	
خانواده‌های جهان شهری: مشخصه‌ها و منظومه‌ها	۲۵۷
نظریه جهان شهری	۲۶۰
ظهور یک اقتصاد در سایه و فراملی	۲۶۴
انقلابی که متوقف شد	۲۶۴
از وظیفه مادران تا شغل مهاجران	۲۶۶
سکوت علامت رضایت است	۲۶۷
مادری فراملی و زنجیره‌های جهانی مراقبت	۲۶۸
سلسله مراتب جهانی مراقبت	۲۷۰
ضرر و سود: مقایسه‌های جهان شهری	۲۷۲
نگریستن از چشم خود «دیگری»	۲۷۴
نتیجه‌گیری‌ها	۲۷۴
منابع	۲۷۷
واژه‌نامه	۲۳۷
نمایه	۳۴۳

## مقدمه ناشر

تصویر ما از انسان، از همان اولین قدم خلقت با خانواده عجین است. آدم و همسرش حوا، در روایت ادیان ابراهیمی، اولین خانواده انسانی را در باغ عدن تشکیل داده‌اند و خانواده، برای دوره‌ای بس طولانی از تاریخ بشر، مهم‌ترین واحد فرافردی زندگی بشری بوده است. بدین ترتیب، جای تعجب ندارد که مطالعه خانواده، اندیشیدن درباره ظرایف و مسائلیش، دغدغه‌ای درازمدت برای اهل اندیشه در هر دوران بوده است. برای جامعه‌شناسی نیز، از همان ابتدای تأسیس تا امروز، خانواده موضوعی قانونی بوده است و همچنان نیز بسیار پویا و بالنده است. این مجموعه مقالات خود شاهدهی است بر دیدگاه‌ها، مسائل و موضوعاتی که تازه دارند جای پای خود را در دایره جامعه‌شناسی خانواده باز می‌کنند.

در این مجموعه، هشت مقاله ارائه شده است که، به جز یکی از آن‌ها، همگی از ویراست ۲۰۱۴ راهنمای بلک‌ول برای جامعه‌شناسی خانواده‌ها<sup>۱</sup>، انتخاب شده‌اند. تنها یک مقاله، یعنی «دین، عشق رمانتیک و خانواده»، از ویراست ۲۰۰۴ همین کتاب انتخاب شده است. این تک مقاله را اولاً به دلیل اهمیت براین ترنر در جامعه‌شناسی دین و ثانیاً به علت قرابت بیشتر آن به فضای دیگر مقالات ارائه شده در این مجموعه برگزیده‌ایم. توضیح آنکه مقاله اختصاص یافته

---

1. *The Wiley-Blackwell Companion to the Sociology of Families*

به دین و خانواده در ویراست ۲۰۱۴ عمدتاً رویکردی آماری را در پیش گرفته است، اما ترنر روایتی تاریخی-تطبیقی به این مسئله داشته است. مسئله دیگری که باید درباره آن توضیح دهیم دلیل انتخاب این هشت مقاله و کنار گذاشتن دیگر مقالات این مجموعه پرحجم است. در درجه اول، این گزینش با توجه به سطح تحلیل مقالات انجام شده است. مشخصاً مقالاتی که درباره خانواده در یک حیطه جغرافیایی محدود نوشته شده بودند کنار گذاشته شده‌اند؛ در مقابل، تلاش کرده‌ایم مقالاتی را برگزینیم که به نوعی دیدی جهانی به خواننده ارائه می‌دهند، حال یا با تکیه بر موضوعی که فی‌نفسه برای همه مردم دنیا مطرح است، مانند باروری مساعدتی، یا با مقالاتی که بحث خود را در سطح جهانی دنبال کرده‌اند. دیگر راهنمای ما در این گزینشگری شیوه انتخابی نویسنده در نگارش مقاله بوده است. بدون آنکه بخواهیم از اهمیت بسیار بالای محاسبات و مطالعات آماری در حوزه جامعه‌شناسی خانواده بکاهیم، تلاش کرده‌ایم تا مقالاتی را برگزینیم که رویکرد روایی تری در ارائه بحث خود داشته‌اند. نکته شایان توجه دیگر نسبت این مقالات با دیگر منابع جامعه‌شناسی خانواده در زبان فارسی است. اکثر این مقالات یا در حیطه موضوعی مورد مطالعه‌شان در زبان فارسی بی‌سابقه‌اند، مانند مقاله «خانواده کودک»، یا آنکه جمع‌بندی و مرور تازه‌ای درباره این موضوع داشته‌اند، مانند مقاله «نظام‌های خانواده در جهان». نبود فاصله زمانی طولانی بین سال نوشته شدن آن‌ها با ترجمه‌شان نیز باعث شده است تا شرایط محیطی امروز ما را به خوبی پوشش داده باشند. به هر حال، با در نظر گرفتن همه این‌ها، هشت مقاله انتخاب و ترجمه شده‌اند که، در ادامه، شرح مختصری از آن‌ها آمده است.

اولین مقاله نوشته گوران تربون استاد بازنشسته جامعه‌شناسی در دانشگاه کمبریج است. او متخصص مطالعات تطبیقی در حوزه خانواده و جنسیت است

و کتاب مشهور او، در میانهٔ سکس و قدرت: خانواده در جهان، از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰، اثری شناخته شده در این زمینه است. نابرابری و شهر از دیگر حوزه‌های مورد توجه اوست. تربون در مقاله «نظام‌های خانواده در دنیا: آیا این نظام‌ها همگرا شده‌اند؟» به ترسیم شرایط متفاوت نظام‌های خانواده در پهنه‌های وسیع زمانی و مکانی دست زده است. او تغییرات بلندمدت در نظام‌های خانواده را بررسی کرده و کوشیده است نشان دهد هر کدام از این نظام‌ها چگونه پاره‌ای از خصوصیات منحصربه‌فرد خود را در کشاکش تغییرات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی حفظ کرده‌اند و از چه جنبه‌هایی دستخوش تحول شده‌اند. تربون در این مقاله هفت نظام خانواده را شرح می‌دهد: خانوادهٔ مسیحی-اروپایی، خانوادهٔ اسلامی غرب آسیا-شمال آفریقا، خانوادهٔ جنوب آسیا، خانوادهٔ کنفوسیوسی شرق آسیا، خانوادهٔ جنوب صحرای آفریقا، خانوادهٔ آسیای جنوب شرقی و خانوادهٔ کریول.

پرنیلا تنبرگر و وندی سیگل راشتون نویسندگان مقاله «سیاست‌گذاری عمومی و خانواده‌ها» هستند. اصلی‌ترین مدعای مقالهٔ آن‌ها این است که شرایط بازار، امروزه، چنان ساختارهای مستحکم خانواده را رقیق کرده است که دو وظیفهٔ اصلی «مراقبت» و «درآمد» به صورت ازپیش‌تعیین نشده بین مرد و زن تقسیم می‌شود. این مقاله توجهی تاریخی به بحران «زنان شاغل» در خانواده دارد، مسئله‌ای که با پایین آمدن نرخ فرزندآوری، مسن شدن جمعیت، بازار پرستاران خانگی و موضوعات دیگر پیوند خورده است.

«خانواده‌های فراملی» مقاله‌ای است از چهار پژوهشگر خانواده که معتقدند ابزارهای مورد استفادهٔ جامعه‌شناسی خانواده، برای فهم بخش مهمی از مسائل خانواده‌های امروزی، کارآمدی کافی را ندارند، این ابزارها برای تحلیل خانواده‌هایی طراحی شده‌اند که در یک کشور و معمولاً زیر یک سقف زندگی می‌کنند،

اما امروزه مهاجرت به جزء جدایی ناپذیر زندگی خانوادگی تبدیل شده است. تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، زنجیره‌های جهانی مراقبت و تفاوت‌های عمیق فرهنگی دربارهٔ آنکه پدر و مادر خوب چه خصوصیتی دارند از جمله مسائلی است که در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد.

برایان اس. ترنر، استاد پرآوازهٔ جامعه‌شناسی در دانشگاه کمبریج، نویسندهٔ مقالهٔ «دین، عشق رمانتیک و خانواده» است. ترنر، در این مقاله، با دیدی وسیع، تأثیرات تاریخی دین و سکولاریزاسیون بر آداب خانوادگی‌ای مانند ازدواج، طلاق و عشق رمانتیک را بررسی کرده است. او نشان می‌دهد چطور مسیحیت و اسلام در برابر سیاست حکومت‌ها دربارهٔ موضوعات خانوادگی، و علی‌الخصوص در مواجهه با مسائل مربوط به زنان، واکنش نشان داده‌اند و این کشاکش‌ها بر ساختار خانواده چگونه تأثیر گذاشته است. ذکر این نکته ضروری است که آنچه دربارهٔ اسلام و خانواده در این مقاله عنوان شده است، عمدتاً، برآمده از بحث‌های مستشرقان و اهل سنت دربارهٔ اسلام و با نگاه به جوامعی مانند مصر و پاکستان است. بنابراین در تعمیم آن‌ها به خانواده در ایران باید ملاحظات انتقادی‌ای را در نظر گرفت.

ژاکلین اسکات، نویسندهٔ «خانوادهٔ کودک: چشم‌اندازی کودک‌محور»، استاد جامعه‌شناسی کاربردی در دانشگاه کمبریج و یکی از ویراستاران اصلی راهنمای بلک‌ول برای جامعه‌شناسی خانواده‌ها است. اسکات از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ مدیر یکی از برنامه‌های کلان تحقیقاتی در بریتانیا دربارهٔ نابرابری‌های جنسیتی، تولید و تولیدمثل، به نام جنیت<sup>۱</sup>، بوده است. اسکات موضوع مقالهٔ خود را آن بخشی از خانواده قرار داده است که تا امروز در اکثر مطالعات جامعه‌شناختی نادیده گرفته شده‌اند: کودکان. تازگی مقالهٔ او در این است که خانواده را از نگاه خود کودکان بررسی کرده است، نه به مثابهٔ ضمیمه‌هایی بر پدر و مادرشان.

1. GeNet



او به استلزامات روشی چنین دیدگاهی پرداخته است و پاره‌ای از مزایای دیدن خانواده از منظر کودکان را برشمرده است.

نویسنده «پدران و پدری» به تغییرات نقش پدر در خانواده پرداخته است. کوین ام. ری معتقد است نقش نان‌آوری هنوز برای مردان خانواده کاملاً پرننگ است، اما، در حال حاضر، مردان به سختی ممکن است به صرف نان‌آوردن پدری خوب نیز تلقی شوند. به عبارت دیگر، مشارکت در کارهای خانه و توجه عاطفی به همسر و کودکان روزبه‌روز در ایفای نقش پدر اهمیت بیشتری یافته‌اند. این مسئله هنگام تصمیم‌گیری دربارهٔ مسائلی مثل «کار دور از خانه» مشکل‌ساز شده است: آیا پدر باید خانواده را ترک کند تا بتواند پول کافی برای همسر و فرزندانش فراهم کند؟ یا باید پیششان بماند تا وظایف عاطفی خود را انجام دهد؟

«باروری مساعدتی، فناوری‌های ژنتیک و ژنومیک، و زندگی خانوادگی» تغییرات خانواده را در مواجهه با پیشرفت‌های تکنولوژیک بررسی می‌کند. مارتین ریچاردز، نویسندهٔ این مقاله، استاد بازنشستهٔ تحقیقات خانواده در دانشگاه کمبریج است. او در شوراها و مؤسسات متعددی در زمینهٔ اخلاق زیستی<sup>۱</sup> عضویت دارد و یکی از شناخته‌شده‌ترین محققان خانواده در این زمینه به شمار می‌رود. ریچاردز در این مقاله به تاریخ واکنش‌های عمومی به پیشرفت‌های تکنولوژیک در زمینهٔ تعیین تبار و انواع باروری‌های مساعدتی می‌پردازد و پاره‌ای از معضلات اخلاقی تازه را که با گسترش این فناوری‌ها بروز می‌کند نشان می‌دهد.

اولریش بک، جامعه‌شناس جهانی‌شدن، و همکارش الیزابت بک‌گرنشایم در آخرین مقالهٔ این مجموعه «آشوب جهانی عشق: پیش به سوی چرخش جهان شهری در جامعه‌شناسی عشق و خانواده» اعتراف می‌کنند که امروزه تعریف چیستی «یک زوج» از همیشه سخت‌تر شده است. عشق در دنیای انفجار ارتباطات

ماهیتی جهان وطن پیدا کرده است و مناسبات قبلی دستخوش تغییر شده است. بک و همکارش به عنوان مصداقی از این مسئله به زنجیره جهانی مراقبت و زنان مهاجر جهان سومی ای می پردازند که برای مراقبت از کودکان خانواده های جهان اول استخدام می شوند. آن ها به معضلات روشی تحقیق جامعه شناختی در چنین پهنه گسترده ای نیز توجه می کنند و نقصان ابزارهایی را نشان می دهند که برای تحقیق درون مرزهای دولت-ملت طراحی شده اند.

امیدواریم این مجموعه بتواند بخشی از کاستی های موجود در منابع فارسی مربوط به جامعه شناسی خانواده را برطرف کند.

انتشارات ترجمان علوم انسانی

اسفند ۱۳۹۵

# [مقاله اول]

## نظام‌های خانواده در دنیا: آیا این نظام‌ها هم‌گرا شده‌اند؟\*

گوران تربون



---

\* Therborn, Göran. "Family systems of the world: Are they converging." In *The Wiley-Blackwell Companion to the Sociology of Families*, edited by Judith Treas, Jacqueline Scott, and Martin Richards, 3-19. Chichester: Wiley Blackwell, 2014.



## دوره‌های تغییر و الگوهای خانواده

فقط دو چیز درباره آینده خانواده مسلم است. یکم، الگوی خانواده در بخش‌های مختلف دنیا صورت‌های متفاوتی خواهد داشت و دوم، آینده صحنه‌ای به وسعت دنیا برپا خواهد کرد که در آن نمایش‌های متنوعی از خانواده اجرا خواهد شد. نکته دوم پیامد مهمی دارد که باید بر آن تأکید کرد. دوره‌های تغییر به ندرت براهمیت خود واقف‌اند. تفسیرگران وضع موجود به شدت مستعدند که آنچه را در حال وقوع است دست‌کم بگیرند (حتی انکارش کنند) یا در آن زیادی اغراق کنند (به‌منزله عصری جدید). این مفسران در گیرودار فرایندهای متعارض اجتماعی‌اند و در مسابقه‌ای تنگاتنگ برای جلب توجه با هم رقابت می‌کنند. در موضوع خانواده، اغراق سکه رایج بحث‌های عمومی است. مسابقه «پایان خانواده» از یک سو میان مثبت‌اندیشانی در جریان است که پیروزی «فردگرایی» و ظهور «رابطه‌های خالص» را می‌ستایند و از سوی دیگر میان منفی‌اندیشانی رایج است

که سوگوار انحلال جامعه، افت جمعیت و بازگشت عصر کهن یخ‌بندان هستند. برای درک دوره تغییراتی که در آن به سر می‌برید، باید از دانش تاریخی کافی و فاصله‌بازاندیشانه‌ای که پیش‌نیاز خودانتقادی<sup>۱</sup> است بهره‌مند باشید. لذا، بر پایه تحقیقاتم، مایلم که دو نتیجه‌گیری را ارائه کنم.

اول آنکه، امروز نظام‌های خانواده متفاوتی در دنیا وجود دارند که در کل هم‌گرا نیستند بلکه از برخی جهات واگرایی دارند؛ و همین نظام‌ها خصیصه‌نمای دنیای ما در آینده پیش‌بینی‌پذیر خواهند بود. دوم آنکه، تغییرات اخیر در خانواده‌های آمریکایی یا اروپای غربی را باید در چشم‌انداز زمانی طولانی‌تری فهم کرد، نه آنکه به خانواده‌های صنعتی معیار در بازه میان دو رکود دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۷۰ اکتفا کنیم. ادیان جهانی بزرگ و تاریخ فرهنگی تمدن‌ها نقشه‌ای جهان‌گستر از نظام‌های عمده خانواده در اختیارمان قرار می‌دهند: نظام‌هایی که هرچند هر یک از آن‌ها به خرده‌نظام‌های متعدد تجزیه‌پذیرند و تنوع بسیاری دارند، اما تعدادی محدود از الگوهای قابل تشخیص را می‌توان در آن‌ها دید.

خانواده‌ها در دنیای جهانی شده چه سیمایی دارند؟ در این فهم جدید از درهم‌تنیدگی شدید زمین که با واژه «جهانی» نشان داده می‌شود، خانواده‌ها چگونه اند؟ کدام الگوهای معنادار جهان‌گستر در کارند که گوناگونی‌های فردی بی‌کران را فهم‌پذیر می‌کنند؟ آیا الگوها و رفتارهای خانوادگی در سراسر جهان هرچه بیشتر به هم شبیه می‌شوند؟ خانواده‌ها چگونه با دنیای امروزی پیوند می‌خورند؟ آیا در آغاز قرن بیست و یکم اهمیت اجتماعی خانواده‌ها روبه افزایش است یا روبه کاهش؟

گونه‌شناسی‌های خانواده را عمدتاً انسان‌شناسان و جمعیت‌شناسان تاریخی تدوین کرده‌اند. آن‌ها بر جامعه‌های پیشامدرن و پیشاصنعتی و بر قواعد نسب و ارث آن جوامع تمرکز داشتند. همچنین بر الگوهای ممنوع و مرجح ازدواج،

1. Self-critical distance of reflectiveness

و قواعد میان‌نسلی سکونت در منزل (ر.ک: این مرور معلم‌وار و جدید دز: تادا، ۲۰۱۱: فصل ۱). برای فهمی مدرن و معاصر از ماجرا، شاید رویکرد دیگری مناسب‌تر باشد. با مدنظرگرفتن روابط قدرت میان نسل‌ها و همسران و رویه‌ها و کردارهای مرتبط با سکسوالیته، چه در چهارچوب ازدواج یا خارج آن، می‌توانیم چند ناحیه بزرگ را در جغرافیای فرهنگی<sup>۲</sup> خانواده در دنیا تشخیص دهیم. آنگاه قادر خواهیم بود حداقل هفت نمونه از این نظام‌های خانواده را بیابیم که اکثر آن‌ها ریشه‌هایی باستانی دارند، هرچند در فرایند بازتولید تکاملی خود دستخوش تغییرات تاریخی شده‌اند. هریک از این نظام‌ها نه تنها بی‌شمار گونه فردی بلکه خرده‌نظام‌های مجزای فراوانی را نیز در برمی‌گیرند.

### هفت نظام اصلی خانواده در دنیا و جهش‌های<sup>۳</sup> قرن بیستمی آن‌ها

من برای اختصار از «نظام‌های خانواده» حرف می‌زنم، اما عنوان دقیق‌تر آنچه منظورم است شاید نظام‌های خانواده-سکس-جنسیت-نسل باشد. خانواده محصول سکسوالیته است و یکی از کارکردهایش تنظیم این است که هرکس با چه کسانی می‌تواند یا نمی‌تواند آمیزش جنسی داشته باشد. از منظر تاریخی، خانواده در مرکز همین جنسیت‌یابی اجتماعی<sup>۴</sup> مذکر-مؤنث، شوهر و زن، مادر و پدر، دختر و پسر، و خواهر و برادر قرار گرفته است، حتی اگر این وضعیت حاصل ضرورت نباشد یا در آینده تغییر کند. سوم اینکه، خانواده صحنه‌آرای روابط میان‌نسلی، فرزندآوری، و حقوق و اجبارهای مرتبط با اجتماع‌پذیری، حمایت و ارث‌بری است. مرور مختصر این فصل برآمده از مطالعه‌ای است به طول یک کتاب که با مراجع کامل منتشر شده است (تربون، ۲۰۰۴).

1. Todd

2. Geocultural

3. Mutations

4. Social Gendering

۱. خانواده مسیحی-اروپایی: این نظام که به اقامتگاه‌های اروپایی در خارج نیز صادر شده و با نام خانواده «غربی» هم شناخته می‌شود یک گونه متمایز تاریخی بود، به دلیل آنکه هنجاران تک همسری است و گذشته از هر علت دیگر، به واسطه کلیسای کاتولیک، برحق انتخاب آزاد شریک زندگی تأکید می‌کند. در عین حال، ازدواج نکردن<sup>۱</sup> را هم مشروع می‌داند. یکی از ویژگی‌های اختصاصی اروپای غربی که به آن سوی دریاها صادر شد هنجار «نومکانی»<sup>۲</sup> است که توسط زوج‌های تازه‌ای صادر شد که می‌خواستند امورات خانوار<sup>۳</sup> خود را سامان دهند. همچنین نسب و میراث<sup>۴</sup> دوطرفه است و اجداد مادری به اندازه اجداد پدری اهمیت دارند، هرچند استثناهای مهمی همانند اشراف‌زادگی بریتانیایی نیز وجود دارد.

در این نظام، همانند عمده نقاط دنیا، جنسیت‌یابی اجتماعی بنیاداً نامتقارن، پدرسالارانه و مردگرا<sup>۵</sup> بوده است؛ اما، در مقایسه با دیگر نظام‌های اصلی خانواده، جنبه پدرسالارانه آن به شکل منحصر به فردی شکننده بوده است. آزادی ازدواج کردن (یا نکردن)، تک همسری، نومکانی، و نسب و میراث دوطرفه (حتی اگر نابرابر بوده باشند) همگی موجب شده‌اند تا زنان اروپای غربی در مقایسه با خواهرانشان در هر نقطه دیگری از دنیا نیرومندتر باشند.

در میان گونه‌های درونی اروپا، مهم‌ترین نمونه تاریخی که شواهد زیادی برای آن تا آغاز قرن گذشته دیده می‌شود شکاف شرق-غرب است که در امتداد تریسته<sup>۶</sup> تا سن پترزبورگ<sup>۷</sup> کشیده شده است (هجنال، ۱۹۵۳)

- 
1. Nonmarriage
  2. neolocality
  3. household
  4. Masculinist

۵. Trieste: بندری در شمال شرقی ایتالیا [مترجم].

۶. Saint Petersburg: دومین شهر بزرگ روسیه، که بندری در حاشیه دریای بالتیک است [مترجم].

7. Hajnal



و سابقه آن را می‌توان تا سرحدات سکونتگاه‌های جرمن‌ها در قرون وسطا دنبال کرد (شکل ۱) (کیسر، ۲۰۰۰). صرف نظر از برخی استثنائات مهم در اروپای لاتین، این خط مرز میان دو گونه بود: گونه غربی مبتنی بر هنجار نومکانی یا تغییر محل پس از ازدواج، ازدواج در سن بالا، و نسیت زیاد (بیش از ۱۰ درصد) زنانی که هرگز ازدواج نمی‌کنند؛ و نسخه شرقی بر پایه پدرتباری (در روسیه و منطقه بالکان)، اقامت در خانه پدری، چهار تا هفت سال کمتر بودن سن زنان هنگام ازدواج اول، و ازدواج تقریباً همگانی.



شکل ۱: خط هجنال

۱. Medieval Germanic Settlements که با عنوان آلمانی Ostsiedlung شناخته می‌شود، به مهاجرت جرمن‌ها از امپراتوری مقدس روم به سوی مناطق اروپای مرکزی و اقامت در آن نواحی گفته می‌شود [مترجم].  
 2. Kaser

بعد از هژمونی جهانی قدرت‌های آتلانتیک شمالی از قرن هجدهم به این سو، انتظار می‌رفت که این نظام خانواده به معیار و میزان جهانی تغییرات تبدیل شود، که این‌گونه هم شد. کنترل وسیع زادوولد اولین بار، پس از انقلاب‌های بزرگ آتلانتیک شمالی، یعنی انقلاب آمریکا و انقلاب فرانسه، رخ داد و در اواخر قرن نوزدهم در دیگر مناطق اروپا سرایت کرد و پس از جنگ جهانی دوم به مابقی دنیا نیز کشیده شد، اما تا دهه ۱۹۹۰ طول کشید تا به جنوب صحرای آفریقا برسد. در قرن نوزدهم، و باز هم زودتر از دیگر جاها، گسترش حقوق زنان در اروپای غربی و آمریکای شمالی در بستری تاریخی از مردسالاری محدود آغاز شد. ولی بسیار طول کشید تا برابری زن و مرد در خانواده، حتی در مقام اصلی نظری، در کل اروپای غربی رواج یابد: در آلمان، تازه در سال ۱۹۷۶ بود که ترجیح مرجعیت پدر منسوخ شد؛ و در فرانسه، تازه در سال ۱۹۸۵ بود که برابری زن و مرد بر تمامی جنبه‌های قوانین خانواده احاطه یافت، البته پس از پیشرفتی اساسی در سال ۱۹۷۰ که «مرجعیت پدر» جایگزین «قدرت پدر» شده بود (تربون، ۲۰۰۴: ۹۸ و ۱۰۰).

در فرایند قرن بیستم، دیگر جنبه‌های خانواده اروپایی نیز طبق منحنی زنگوله‌ای بسط یافت. میزان ازدواج افزایش چشمگیری داشت که پس از جنگ جهانی دوم به اوج خود رسید: در اکثر کشورهای اروپایی در بازه ۱۹۷۳-۱۹۶۵، و در ایالات متحده در اوایل دهه ۱۹۶۰. میزان زادوولد نیز به همین ترتیب افزایش یافت و در اروپای غربی حوالی سال ۱۹۶۵ و در ایالات متحده در سال ۱۹۵۷ به قله رسید، تا جایی که انتظار می‌رفت هر زن به‌طور متوسط ۳٫۸ فرزند داشته باشد (اداره سرشماری ایالات متحده، ۲۰۱۲). پس از آن، ازدواج و زادوولد روند نزولی پیدا کرد؛ همراه با آن، میزان هم‌خانگی<sup>۱</sup> بی‌ازدواج با طلایه‌داری اسکاندیناوی رشد سرسام‌آوری داشت و میزان زادوولد تا مقادیری بسیار پایین‌تر از حد حفظ جمعیت،

1. cohabitation

خصوصاً در جنوب اروپا، کاهش یافت. تحت سیطرهٔ کمونیسم، پس از جنگ جهانی دوم، اروپای شرقی با همراهی اسکاندیناوی پیشتاز وضع قوانین تساوی‌طلبانه در خانواده و تشویق مشارکت زنان در نیروی کار بود. میزان زادوولد باز هم کاهش یافت.

۲. خانوادهٔ اسلامی غرب آسیا-شمال آفریقا: اسلام، بیش از مسیحیت، دینی جهانی است که در سرتاسر قاره‌ها اشاعه یافته است. اما، خارج از موطن‌های تاریخی‌اش، خانوادهٔ اسلامی به شکل شایان توجهی از دیگر فرهنگ‌ها تأثیر پذیرفته است و تابع فرایندهای تغییرات منطقه‌ای در قرن بیستم بوده است، چه در آفریقا و چه در جنوب و جنوب شرقی آسیا.

ازدواج اسلامی نه نوعی آیین مقدس که یک جور قرارداد است؛ با این وصف، ازدواج نیز همچون روابط خانوادگی و جنسیتی و نسلی تا حد بسیار زیادی توسط شرع تنظیم می‌شود. شرع نه تنها - همانند سنت پولسی<sup>۱</sup> در مسیحیت - بر اصل کلی برتری مرد دلالت می‌کند، بلکه آن را در قالب قواعدی انضمامی معین می‌سازد. قواعدی مانند قیمومیت مرد، چندهمسری محدود، حق مرد برای طلاق شرعی، و تعلق فرزندان به تبار پدر. اما شرع دغدغهٔ حفاظت از زنان به منزلهٔ افراد انسانی، حقوق ارث‌بری دختران - هرچند نصف پسران - و به رسمیت شناختن حق مالکیت زنان را نیز دارد که شامل حق مالکیت و مقام حقوقی زنان متأهل نیز می‌شود.

سکسوالیته نیز از نظر اخلاقی زیان‌بار دانسته نمی‌شود، اما تهدیدی جدی برای نظم اجتماعی قلمداد می‌گردد. لذا با دستورالعمل ازدواج به‌نحوی سخت‌گیرانه تنظیم می‌شود. ازدواج اجباری ممنوع است، اما سکوت عروس بنا به شرع اسلامی می‌تواند بر رضایت او دلالت کند و قیم<sup>۱</sup> او می‌تواند سند ازدواجش را امضا کند. به علت ازدواج درون‌همسری<sup>۲</sup>، خانواده‌ها بسیار درهم‌تنیده‌اند.

1. Pauline Tradition

2. Endogamy

در اواخر قرن بیستم، از یک پنجم (در مصر) تا یک سوم (در شبه جزیره عرب) همه ازدواج‌ها بین عموزادگان<sup>۱</sup> بوده است (تاد، ۲۰۱۱: ۵۰۶).

در دهه‌های پایانی قرن گذشته، ازدواج درون‌همسری کاهش یافت؛ اما تغییر اصلی خانواده اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا، که پدیده جدیدی نیز هست، افزایش سن ازدواج زنان - در مراکش تا ۲۶-۲۹ سال و در مصر و ایران تا ۲۲ سال در آغاز قرن جدید- و گسترش کنترل تولیدمثل بوده است که ابتدائاً در تونس و مصر در دهه ۱۹۶۰ آغاز شده است. با اعلام معاهده ۱۹۷۹ سازمان ملل برای حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان، که به تصویب اکثر کشورها به جز ایران و عربستان سعودی رسیده است، جریان جهانی ضد مردسالاری این منطقه را نیز متأثر کرد؛ هرچند تا حوالی سال ۲۰۰۰ فقط تونس و ترکیه بوده‌اند که ماده‌های حقوقی صریحی را که مبتنی بر برتری مردان در خانواده بوده کنار گذاشته‌اند.

۳. الگوی خانواده جنوب آسیا: این الگو نیز خرده‌نظام‌های مهمی دارد، از جمله خرده‌نظام‌های جغرافیایی: مهم‌تر از همه: شمال در برابر جنوب؛ و همچنین خرده‌نظام‌های مذهبی: عمدتاً، اما نه منحصرراً، هندو و مسلمان. فارغ از مذاهب و امور مربوط به آن‌ها، پاکستان و شمال هند و بنگلادش پدرسالاتر از جنوب (هند) هستند. ازدواج هندو آیینی مقدس است و به همین دلیل علی‌الاصول فسخ‌ناشدنی است، اما ازدواج از نظر مسلمانان عقدی این جهانی است. پاکستان در صدر کشورهایی است که ازدواج بین عموزادگان در آن رواج دارد، اما بخش هندی شمال شبه‌قاره هند با ازدواج‌های خارج از خاندان یا خارج از روستا اداره می‌شود. در سوی دیگر، بخش هندو مسلمان جنوب هند و بنگلادش مسلمان، رواج ازدواج عموزادگان تا دو برابر بیشتر است، یعنی تقریباً یک چهارم کل ازدواج‌ها را در برمی‌گیرد

۱. در ترجمه این مقاله، این تعبیر برای همه کسانی استفاده می‌شود که حداقل یک پدر بزرگ / مادر بزرگ مشترک دارند [مترجم].